

منشکره ۵۲

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست

۱۴ آبان ۱۳۸۹

۵ نوامبر ۲۰۱۰



مصطفی رشیدی

پارانه ها و چشم

انداز عصیان

پارانه ها و چشم انداز عصیان بلشوی، عبارت عامیانه و در عین حال گویاترین عبارت ممکن در شرح پروسه طرح "پارانه ها" در دالانهای حکومت در ایران است. بنا به ادعای دولت، در طول هفته جاری شمارش معکوس برای اجرای طرح رسماً آغاز گردید. قیمت کالاهای مربوطه به بنا به مقتضیات بازار آزاد شناور خواهد شد و در جبران گرانی محتوم قیمتها، آنوقت بنا به ادعای مسئولان مربوطه، کمک هزینه های نقدی دولتی در یکفردی حسابهای بانکی آماده هستند تا حفره های معیشت پایه ای بخش اصلی جمعیت را ترمیم کند. این طرح بعنوان شاه کلید بازسازی اقتصادی حکومت بیش از دو دهه در طول پنج دوره ریاست جمهوری دست بدست میشود. امروز جمهوری اسلامی در بهبوه اجرای عملی رویای دیرینه اقتصادی اش غرق در تشنج است. فضای تب آلود اجتماعی آنچنان عمیق و آشکار است که بدون استثنا همه جریانات و ناظران سیاسی و رسانه ها در مورد آن هشدار میدهند. اما تشنج در بستر رنگارنگ حکومتی، و در مقابل آن خشم و ناراضی در میان مردم؛ بخودی خود چیز زیادی در مورد خود جنگ بر سر سوبسیدها، امکان موفقیت یا شکست حکومت در صفحه ۴

اعتصابات در فرانسه،

پژواک طبقاتی از

ایران گفتگو با آذر مدرسی



رادیو پرتو: در سه هفته اخیر افکار عمومی دنیا متوجه اروپا و بویژه فرانسه و اعتصابات کارگری بزرگ و گسترده در این کشور بود، بخصوص هفته گذشته اعتصابات دامنه گسترده ای پیدا کرده و چندین میلیون نفر را در بر گرفته است. اعتصابات گسترده بر علیه دولت سارکوزی، برای بالا بردن سن بازنشستگی و حمله به معیشت کارگران. از طرف دیگر کارگر به مشغله های حزب حکمیتست در سه هفته اخیر نگاه کنیم یکی از موضوعات دائمی که به آن پرداخته است چه در نشریه ها چه در نوشته ها و اشکال فعالیت های مختلف، مسئله اعتصابات کارگری فرانسه را در صدر آنها می شود متوجه بود؛ آذر مدرسی رئیس تشکیلات خارج کشور حزب حکمیتست مهمان برنامه ما است و سوالاتی را در این مورد می خواستم پیش پای ایشان قرار بدهم، اول از اینجا شروع کنم عطف توجه به این مسئله برای شما چرا ضرورت داشت؟

آذر مدرسی: تعرض به سطح معیشت جامعه و بخصوص طبقه کارگر در هر

کارگران جهان متحد شوید!

کجائی که باشد قاعداً برای یک حزب کمونیستی مهم است چه در ایران باشد چه در فرانسه، انگلیس و یا آمریکا. مسئله سر این است که بخصوص در این دوره بورژوازی یک تعرض همه جانبه را به سطح معیشت جامعه و بخصوص طبقه کارگر شروع کرده است. اعتراض گسترده و وسیع علیه آن در فرانسه، نمونه مقابله با این تعرض و یک همبستگی کارگری عظیم است و همانطور که گفتیم یک حزب کمونیستی نمی تواند در چنین جدالی که بین طبقه کارگر و بورژوازی حاکم این کشور در جریان است ساکت بنشیند و حداقل کاری که می تواند بکند این است تا آنجائی که می تواند در توان دارد نشان بدهد که در این طبقاتی کنار طبقه خودش، کنار طبقه کارگر، ایستاده است. تا وقتی که این جنگ ادامه دارد مستقل از اینکه در فرانسه است یا انگلیس یا آلمان قطعاً یکی از کارهای اساسی و هویتی تشکیلات خارج کشور ما شرکت در آن خواهد بود. طبقه کارگر در فرانسه باید بداند که ما در کنار آنها هستیم و این جنگ را جنگ خود میدانیم. در این جنگ جبهه ما خیلی روشن است و تا آنجا که در توانمان باشد در این جنگ در جبهه طبقه کارگر علیه بورژوازی می ایستیم.

رادیو پرتو: به خود فرانسه برگردیم و اعتصابات که در آنجا گذشت، اهمیت این اعتصابات و کشمکشها در چه بود؟

اهداف مشخصی پشت این طرح است؟ این طرح به کجا خواهد رسید؟ و عواقب و بازتاب آن بر جامعه اسرائیل و فلسطین و تخصصات موجود چه خواهد بود؟

فاتح شیخ: اهداف سیاسی این قانون از اسم آن ("اصلاح قانون شهروندی") بسیار فراتر میرود. دامنه کارکرد آن هم در تشدید تبعیض و پاکسازی قومی بسیار گسترده تر از عرصه حق شهروندی است. هدف اصلی ائتلاف حکومتی نتنیاها- لیبرمن و شرکا این است که پروسه شکل دادن به کشور اسرائیل بر مبنای مذهب و قومیت یهود را به سرانجام برسانند. میخواهند الگوی شهرکهای یهودی نشین را به سراسر کشور تعمیم دهند و از اسرائیل یک کشور خالص یهودی نشین بسازند. کاری که با بیش از



"اصلاح قانون

شهروندی" اسرائیل یا

تشدید پاکسازی قومی

مصاحبه با فاتح شیخ

کمونیست هفتگی: دولت اسرائیل طرحی را تصویب کرده است که طبق آن شرط کسب شهروندی در اسرائیل سوگند وفاداری به دولت "دمکراتیک" یهودی در آن کشور است. در مورد این طرح و دلایل آن بحثهای مختلفی، از تهدید و فشار به مردم غیر یهودی در اسرائیل تا امتیاز دادن به راست افراطی در اسرائیل به میان آمده است. کلاً ماجرا چیست؟ چه

شش دهه جنگ، از جنگهای ۱۹۴۸ که به اخراج و آوارگی عظیم فلسطینیان از سرزمینشان انجامید تا جنگهای ۱۹۶۷ و ۱۹۸۲ و بقیه موفق به انجام آن نشده اند. این قانون بخشی از بازتاب حقوقی همان جنگها و ادامه آنها از جمله در عرصه حق شهروندی است.

خوب است به یاد بیاوریم که مبتکر این طرح اهود اولمرت نخست وزیر قبلی اسرائیل از حزب کادیمه (قبل از روی کار آمدن ائتلاف نتنیاها- لیبرمن) بود، و تیکه دولت اسرائیل در کنفرانس آتلولیس (نوامبر ۲۰۰۷) زیر فشار آمریکا ظاهراً پذیرفته بود پای دور جدید مذاکره برود که ظرف یکسال به تشکیل دولت مستقل فلسطین منتهی شود. در جریان آن مذاکرات اولمرت

و به گفته مأموران ساعتی بعد در بیمارستان جانش را از دست داد. شاهدان عینی (چهار نفر از مسافران هواپیما) از اعمال زور بیش از حد توسط سه اسکورت وی سخن می گویند.

صفحه ۳

کمیته استکلهم حزب حکمیتست
بیقراری در اعتراض به رژیم در
شهر استکلهم

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتصابات در فرانسه...

دیگر مانند انگلیس با تعرض وسیع تر و همه جانبه تری به سطح معیشت اش روبه رو خواهد شد. ولی تا الان مسئله گره ای که کارگران علیه آن ایستاده اند مسئله ارتقاء سن بازنشستگی از شصت سال به شصت و دو سال است، قابل توجه است که این مسئله در همه جا دارد پیش می رود در انگلیس که از شصت و پنج سال به شصت و هفت سال تبدیل شده است و قرار است در چند سال آینده از شصت و هفت سال به هفتاد سال تبدیل بشود. تصور بکنید در آن جامعه آدم مجبور است تا سن هفتاد سالگی نیروی کارش را بفروشد و در سن هفتاد سالگی به او اجازه میدهند اگر توانی برایش مانده، زندگی بکند و از زندگی اش لذت ببرد البته اگر تا آن زمان نشانه ای از بیمه بازنشستگی و بیمه اجتماعی که امکان زندگی انسانی را به آنها بدهد باقی مانده باشد.

رادیو پرتو: تشبیهای اجتماعی و طبقاتی بین کارگران و دول سرمایه داری در اروپا به قولی که شما گفتید کم نیستند. ولی آن چیزی که افکار عمومی دنیا را متوجه فرانسه می کرد و حتی مغفور تشبیه آنجا میکرد ابعاد گسترده اعتصابات کارگری بود. سه و نیم میلیون نفر در خیابانها بودند از کارگرا و حتی دانش آموزان خیابانها را قرق کرده بودند و به این صف پیوستند؛ در مورد ابعاد گسترده اعتصابات چه میشود گفت و دلیل توجه افکار عمومی در این رابطه چیست؟

آر منرسی: خود شما گفتید تعرض وسیع است و مقاومت در مقابل اش وسیع است مادر همه کشورها شاهد مقاومت وسیع هستیم در انگلیس، ایتالیا و آلمان شاهد اعتصابات کوتاه مدت، آکسیونها و پیکتها و مجموعه اینها هستیم اما نوکشورتا به حال توجه همه را به خود جلب کرده اند یکی یونان است و یکی فرانسه. در هر دو مورد با تظاهرات خیابانی و مهتره شاهد اعتصابات عمومی و گسترده بودیم. مسئله فقط این نبود در این کشورها کارگران به خیابان آمدند، فقط این نبود که صدهزار و دویست هزار در شهرهای مختلف توی خیابان ریختند. در فرانسه نوازده پالایشگاه کار را تعطیل کردند، بخش وسیعی از فرودگاه ها با اعتصاب کارگران و کارمندان روبه رو شدند، کارگران خدمات اجتماعی دست به اعتصاب زدند، مملکت با کمبود سوخت، با مشکل نقل و انتقال روبرو شد، و بورژوازی به نظر من قدرت طبقه کارگر را یک بار دیگر مشاهده کرد و جالب است وقتی این قدرت را مشاهده کرد، شانتاژ را شروع کردند، گفتند اغتشاش شده.

قدرت طبقه کارگر در فلج کردن اقتصاد بورژوازی در آن جامعه را به این تبدیل کردند که این "اغتشاشات" به اقتصاد جامعه دارد لطمه میزند. دلیل توجه میدیا به اعتراض طبقه کارگر در فرانسه خیلی ساده به این دلیل بود که طبقه کارگر فرانسه یک بار دیگر یک همبستگی عظیم طبقاتی را از خونشان نشان داد و نشان داد اگر طبقه کارگر بخواهد میتواند به راحتی اقتصاد آن جامعه را فلج بکند و پشت بورژوازی را بشکند. به همین دلیل بورژوازی با همه امکاناتش وارد یک جنگ سیاسی، اجتماعی و اینولوژیک با طبقه کارگر شد. با قدرت پلیس تلاش کردند اعتصاب را بشکنند. به زور در انبارهای سوخت را باز کردند، تلاش کردند اعتصاب و تظاهرات را به جنگ و درگیری با کارگران تبدیل کنند و میدیای نوکرشان همه جا بلندگو و دست گرفت که اغتشاش در فرانسه هست و باید این اغتشاش تمام بشود، اقتصاد فرانسه و جامعه فرانسه با خطر روبه رو است؛ گویا اقتصاد یعنی فقط کسب سود برای بورژوازی نه زندگی و تامین زندگی برای یک بخش عظیم جامعه. این ابعاد بود که باعث شد چه طبقه کارگر و چه بورژوازی در همه دنیا متوجه آن شود. طبیعی بود طبقه کارگر همبستگی خودش را نشان بدهد و طبیعی بود بورژوازی در سطح جهانی همبستگی خودش را با سارکوزی نشان دهد و با هر ابزاری که دارد علیه این اعتصاب و علیه این فضا و علیه طبقه کارگر در فرانسه بایستد و ایستاد.

رادیو پرتو: دولت و مجلس فرانسه علیرغم همه این اعتراضات و اعتصابات این قانون را تصویب کردند و گفتند بر اجرای آن پافشاری میکنند. آیا فکر میکنید ماجرا خاتمه یافته قلمداد شود و به عنوان یک شکست باید به رسمیت شناخته بشود؟

آر منرسی: ببینید میدیا خیلی سعی میکند این تصویر را بدهد. اگر رسانه ها را نگاه کنید شروع کردند به تبلیغات که تب اعتراضات خوابید" با وجود اینکه س ژ ت هنوز اعلام نکرده اعتصاب تمام شده" و خیلی ها برگشتند سر کار، تعداد تظاهر کننده ها کم شده است و مجموعه ای از این تبلیغات که نشان بدهند این مبارزه بی تاثیر بود و از اول دست بردن به این چنین مبارزه ای اشتباه بود. طبیعی بود که بورژوازی به این راحتی عقب نشیند به خاطر اینکه او هم هست و نیست اش به این تعرض بستگی دارد. ادامه حیاط بورژوازی و راه نجاش از این بحران به این بستگی دارد که تا چه حد در این تعرض موفق میشود. آیا این شکست است؟ به نظر من شکست نیست، طبقه

کارگر فرانسه در این مبارزه معین وقتی نگاه میکنید اتفاقات شورانگیزی که در رابطه با اعتصابات کارگران فرانسه بود، خیری بود که از ایران منتشر شد. کارگران سندیکی شرکت واحد و سندیکی کارگران فلزکار پیام همبستگی خودشان را با کارگران فرانسه اعلام کردند و گفتند که اینجا در خفقان جمهوری اسلامی در حالی که حتی رهبران خود این تشکلها در زندان طبقه کارگر در فرانسه به راحتی تعرض به طبقه کارگر انگلیس یا مثلا آلمان نیست. اینجا باید محتاط تر باشد، باید حواسش جمع باشد و به این لحاظ به نظر من درست است در این مبارزه بورژوازی بالاخره مهر خودش را زد و میخ خودش را کوبید ولی طبقه کارگر نشان داد که در جدالهای آتی به این راحتی ساکت نمی شود و تعرض به آن به این راحتی نیست. به نظر من طبقه کارگر در فرانسه از الان در مقابل تعرضات بعدی بورژوازی فرانسه سدی را بست.

این دوره ما شاهد یکی از وحشیانه ترین تعرضات بورژوازی است. تعرض به تمام دستاوردهایی که طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی داشته است. اعتصابات فرانسه سرآغاز یک مقابله است و این مقابله چه در فرانسه باشد و چه در جاهای دیگر به اشکال مختلف ادامه خواهد داشت. اگر ما در اروپا شاهد احزاب کمونیستی می بودیم که می توانست این مبارزه را میلیتانت و رادیکال تا آخر ببرد و بدون کوچکترین سازشی با بورژوازی تا آخرین لحظه از حقوق منی و حقوق انسانی این طبقه دفاع کند، چشم انداز قطعاً بسیار روشن تر از امروز می بود. ولی غیاب چنین احزابی و در عین حال حاکم بودن یک سیاست راست بر سازمانهایی که امروز طبقه کارگر مبارزه اش را از کتان آنها پیش میبرد نقطه ضعف عظیم طبقه کارگر است. در عین حال طبقه کارگر همیشه این ظرفیت را از خودش نشان داده است که در دوره های بحرانی امکان این که گرایش رادیکال و جریانات رادیکال را از خودش بروز بدهد به شدت زیاد است جریاناتی که چهارچوب های حاکم به اصطلاح اتحادیه و سندیکالیزم را در اروپا بشکنند و با جسارت و با قاطعیت و با قدرت بیشتری طبقه کارگر را به میدان بیاورند، نمی شود عاقبت این جدال را از الان حس زد ولی چیزی که قطعاً روشن است این جدال تمام نشده است. فرانسه سرآغاز این جدال است و نشان داد که این جدال ادامه پیدا میکند در هر جا به یک شکل، ولی این جدال ادامه دارد و در این جدال طبقه کارگر تصمیم ندارد کوتاه بیاید و تصمیم ندارد ساکت بنشیند.

رادیو پرتو: از لحاظ شورانگیزی با

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

"اصلاح قانون شهروندی" یا....

طرح در جهت افزایش جمعیت این نیروی کار ارزان و بیحقوق تا آخرین مرز ممکن است. هدف از پاکسازی قومی در دنیای امروز در همه جا تحمیل سطح معیشت نازل به طبقه کارگر از راه فشار مستقیم به معیشت کارگران "غیربومی" و از این کنال اعمال فشار بر معیشت کارگران "بومی" دارای پاس شهروندی و حقوق "کامل" شهروندی است. این قاعده عمومی در اسرائیل به شکل عربان و زیر کنترل سربازان دست به ماشه اجرا میشود.

خود پروسه پاکسازی قومی کشور اسرائیل از اتباع "غیریهودی" و در عمل اعراب ساکن اسرائیل، شش دهه است از کنال فورس ماژور قانونی و اعمال دهها فورس ماژور قانون در جریان است. این پاکسازی در شکل اجبار اعراب به ترک خانه هایشان در اورشلیم شرقی و بقیه شهرهای اسرائیل به عنوان یک قلدری و فشار روئین دولتی و غیردولتی فاشیسم حاکم بر آن کشور همیشه جریان داشته و با این طرح شدت و سرعت بیشتر میگردد. اعرابی که نسل اندر نسل ساکن آن سرزمین بوده اند و بخشی از آنها هم خود را با هویت "اسرائیلی" مشخص میکنند از این فشار و قلدری مستثنی نیستند. تلاش هیات حاکمه اسرائیل و ناسیونالیسم قومی و مذهبی آن (زایونیسیم) در شرایطی پاکسازی قومی را تشدید و تسریع میکند که با پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و نقل و انتقال جمعیت (مهاجرت) هیچ شهر بزرگی در مناطق ثروتمند دنیای امروز ممکن نیست از تنوع جمعیت انسانی متناسب به قومیتها و ملیتهای گوناگون معاف شود و به اصطلاح از نظر اتنیک خالص و یکرنگ (ethnically homogeneous) بماند. تلاش برای پاکسازی قومی و تحمیل خلوص و یکرنگی اتنیک به شهرهای با سائز بزرگ و حتی متوسط، چه برسد به یک کشور، جز با جنگ و فاشیسم عربان، نظیر آنچه در آلمان هیتلری و در دهه های اخیر در یوگسلاوی سابق و رواندا و غیره اتفاق افتاد ممکن نیست. این تجربه تاریخی در مورد اسرائیل هم صدق میکند. جنگ و اشغالگری هیات حاکمه اسرائیل علیه مردم فلسطین در طول شش دهه و طرح جدید تشدید پاکسازی قومی بعنوان یک چشمه از بازتاب و پیامد حقوقی آن جنگ و اشغالگری، از جنس همان جنایت علیه بشریت است که در آلمان هیتلری و یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاده است، تنها اشکال و ابعاد آن متفاوت است.

اعلام کرد به شرطی دولت فلسطین را میپذیرد که فلسطینیها دولت اسرائیل را بعنوان "دولت یهود" برسمیت بشناسند. این شرط قدرانه را همان وقت مقامات فلسطینی بی چون و چرا رد کردند. امروز جناح افراطی تر هیات حاکمه اسرائیل از اولمرت فراتر میروند و به این "شرط" خصلت قانونی و کارکرد چندگانه میدهد. امروز دولت نتنیاها با فشار بیشتر آمریکا برای مذاکره و صلح با حکومت فلسطین روبروست و متقابلاً این طرح را پیش کشیده که اولین کارکرد آن مانع تراشی بر سر راه تجدید مذاکرات است. میدانیم مذاکراتی که پس از نزدیک به دو سال توقف دو ماه پیش براه افتاد توسط طرف فلسطینی به دلیل ازسرگیری شهرکسازی معلق شده است. اتحادیه عرب یک ماه فرصت داده که آمریکا دولت اسرائیل را وادار به توقف شهرکسازی کند تا مذاکرات مجدداً راه بیفتد. در مقابل نتنیاها اعلام کرد به شرطی شهرکسازی متوقف میشود که دنیا و فلسطینیها اسرائیل را بعنوان "دولت یهودی" بشناسند! این یک بهانه گیری عربان و یک قلدری فاشیستی و قبح است. بطور مثال اهود باراک وزیر دفاع اسرائیل از حزب کارگر در مخالفت با این طرح و این برخورد به روند مذاکرات گفته است چه نیازی به این شرط هست؟ مگر آمریکا و اروپا که بزرگترین قدرتهای دنیا هستند همیشه ما را به عنوان دولت یهودی نشانخته اند؟

از جمله اهداف دیگر ائتلاف نتنیاها- لیبیرمن از این طرح "اقدام پیشگیرانه" است در برابر خواست فلسطینیها برای بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمینهایی که از آن اخراج شده اند (خواست "عوده"). هیات حاکمه اسرائیل به این خواست تن نمیدهد، و با این طرح پیشاپیش اعلام میکند که نه تنها زیر بار بازگشت آوارگان فلسطینی به اسرائیل نمیرود، بلکه میخواهد بیش از یک میلیون و نیم عرب ساکن اسرائیل (یک پنجم جمعیت هفت میلیون و نیمی آن کشور طبق آمار ۲۰۱۰) را با انواع اجابراهی "قانونی" و عمدتاً فراقانونی از اسرائیل به غزه و ساحل غربی اخراج کند و یا از حق شهروندی محروم سازد. باید توجه داشت که بخشی از نیروی کار زیر استثمار از فلسطینیها و کوچک در اسرائیل، کارگران بیحقوق و ارزان فلسطینی هستند که صیحا از غزه و ساحل غربی به شهرهای اسرائیل سرازیر میشوند (اگر مرز برویشان بسته نباشد) و شب به خانه هایشان بر میگرددند. این

مأموریت مرگ...

یکی از شاهدان می گوید " ده دقیقه قبل از بیهوش شدن داد می کشید نمی توانم نفس بکشم، نمی توانم نفس بکشم". یکی دیگر از شاهدان می گوید " او از درد می نالید و فریاد می کشید می خواهید مرا بکشند". یکی دیگر از شهود وضعیت را " کثافت مطلق " نامید. فاجعه به حدی شرم آور است که در گزارش های پلیس و مأموران اداره مهاجرت از قتل یا مرگ او سخنی به میان نمی آید و به " حالش بد شد " اکتفا کرده اند!

این فاجعه دردناک را باید بخشی از سیاست های ضد انسانی نظام سرمایه داری دانست که در فاز اول آسیب پذیرترین انسانها را نشانه گرفته است. تعرض به معیشت مردم با اخراج های بی سابقه، پایین آوردن حقوق و بالا بردن مالیات، قطع خدمات اجتماعی به افراد آسیب پذیر جامعه مانند کودکان عقب مانده ذهنی، بالا بردن سن بازنشستگی و... ادامه دارد. دو ماه گذشته کشور فرانسه شاهد زشت ترین رفتار دولت سارکوزی با کولی ها و اخراج بیش از ۱۰۰۰ نفر از آنها بود. تعرض به زندگی انسان در اشکال مختلفی در جریان است و هر روز دستان سرمایه داری حلقوم طبقه کارگر را با فشار بیشتری می فشارد. بنا به آمار وزارت کشور انگلستان فقط در سال ۲۰۰۸، شصت و شش هزار پناهجو از این کشور بیپورت شده اند. بدرفقاری با افراد بازداشت شده به بخشی از کار روئین نهادهای مربوطه تبدیل شده است. در سه سال گذشته میلیونها پوند غرامت به افراد مهاجرتی پرداخت شده است که هنگام بازداشت مورد آسیب روحی و فیزیکی قرار گرفته اند. نقض حقوق کودکان بازداشت شده همراه پدر یا مادر خود بویژه در مرکز بیپورت یارلز وود در دو سال گذشته بحث داغ انجمن های دفاع از حقوق کودکان بوده است. همه شواهد نشان از آن دارد که بربریتی لجام گسیخته در لباس پلیس و وکیل و وزیر در حال حکمرانی است. یک نمونه آن همین مورد موینگا است. جدا کردن او از فرزند هفت ماهه و سایر فرزندان کوچکترین اهمیتی برای مقامات اداره مهاجرت ندارد، چون " قانون " به او اجازه ماندن در این کشور نمی دهد!

این اولین قربانی سیاست های ضد مهاجر سیاست حاکم بر اروپا نیست و آخرین مورد نیز نخواهد بود. اروپا ماسک انسانی را که در چند دهه گذشته بر اثر فشار رادیکالیسم و " خطر کمونیسم" پوشیده بود کنار می زند. دو

سال پیش هنگامی که در یکی از مراکز بیپورت انگلستان بوم، وقتی خبر خودکشی یکی از دوستان عراقی که ۲۴ ساعت بعد از بیپورت از همان کمپ در سلیمانیه به زندگی خود پایان داد را به مسؤلان کمپ اطلاع دادیم با بی تفاوتی مطلق آنها روبرو شدیم. آنها وقیحانه از ما مدارکی می خواستند که نشان دهد خودکشی وی مربوط به بیپورت بوده است! در حال حاضر دهها هزار انسان بلا تکلیف در کمپ های پناهندگی کشورهای اروپایی با کابوس بیپورت " زندگی " می کنند. کسانی هم که از این کابوس خلاص می شوند به حاشیه جامعه ای پر از تبعیض و نابرابری رانده می شوند تا " عظمت نظام سرمایه داری " را لمس کنند.

بعد از فاجعه دوازدهم اکتبر اداره مهاجرت و کمیسیون حقوق بشر اروپا در پی راهکارهایی هستند که بیپورت با تضمین سلامت افراد انجام گیرد. بیپورت و اخراج مهاجران از کشورهای اروپایی - با و بدون توجیهات قانونی - نزد دولتها به یک اصل تبدیل شده است. نباید نسبت به "قوانین" و تبلیغات ریاکارانه حقوق بشری آنها دچار توهم شد. قوانین آنها بر اساس تأمین منافع خودشان تنظیم شده است. باید در مقابل این وضعیت ایستاد. مبارزه در این عرصه نیز در درجه اول کمونیستها و انسانهای آزادیخواهی را به مصاف می طلبد که بربریت جامعه سرمایه داری آنها را به زانو در نیلورده است.

برنامه های رادیو پرتو

جمعه: ۱۴ آبان ۸۹ برابر با ۵ نوامبر ۲۰۱۰

گفتار در مورد یارانه ها

گفتگو با رحمان حسین زاده درباره فعالیت های جاری حزب حکمتیست

گفتگو با سعید آرمان در مورد اعتصابات کارگران فرانسه

برنامه آموزشی در مورد فعالیت کمونیستی - کورس مدرسی، بخش چهارم

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

۲۰ تا ۲۲ به وقت ایران

نما میخواند در ایام هفته شونده تکرار برنامه در این ساعت با کلیه

www.radiopartow.com/wp/

مرگ بر جمهوری اسلامی!

بیقراری در اعتراض به رژیم در شهر استکهلم

روز پنجشنبه چهارم نوامبر مرکز شهر استکهلم یکس در قرق جریانات سیاسی مخالف رژیم و صدها نفر از مردم آزادیخواه بود. هیئت پارلمانی ایران در بازدید از سوند باروت این فضای اعتراضی بود. صدها نفر در اجتماعات گوناگون گردآمدند، و با سماجت و ابتکارات گوناگون در تعقیب قدم به قدم هیئت اعزامی جمهوری اسلامی، روز مملو از رسوایی و دردسر را برای پلیس و مقامات دولتی بیار آوردند. اولین اجتماع از ساعات اولیه بامداد حول ساختمان پارلمان سوند شکل گرفت. دو باندرول قرمز رنگ با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "آزادی رضا رخشان و کارگران زندانی" محمل بیش از یکساعت فریادهای اعتراضی و افشاگرانه علیه رژیم جمهوری اسلامی در جلو درب اصلی پارلمان بود. چند جریان چپ و از جمله حزب حکمتیست بر علیه ممانعت با جمهوری سرکوبگران رژیم حاکم بر ایران و برای آزادی زندانیان سیاسی به شعار دادن پرداختند. تجمعات دیگر و با شرکت تعداد وسیعتری از مردم در سرتاسر روز طنین شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی را با گرمی مداوم بخشید. در چنین مورد با جنگ گریز گروههای از تجمع کنندگان خود را به هیئت رساندند و آنها را مورد حمله قرار دادند. در گرماگرم درگیری ها حداقل دو نفر توسط پلیس دستگیر شد. در ساعات عصر روز پنجشنبه زمانی تظاهر کنندگان به کار خود پایان دادند که برنامه تجمعات تازه تر در روز دوم بازدید هیئت رژیم ایران ریخته شده بود. روز جمعه، روز داغ دیگری بر علیه جمهوری اسلامی خواهد بود. شهر استکهلم هنوز ایستن اعتراض بیشتر است، شب را با انواع همفکری و چاره جویی و قرار و مدار پشت سر خواهد گذاشت. حرف آخر هنوز زده نشده است.

کمیته شهری حزب حکمتیست در استکهلم
پنجشنبه ۴ نوامبر ۲۰۱۰

گزارش تصویری از طریق لینک زیر در دسترس است

http://www.youtube.com/watc_h?v=H3mJvNrg0U

بارانه ها و چشم انداز

قطع سوبسیدها بدست نمیدهد. سرواندن و هیاو بخشی از سیاست آگاهانه حکومت در کشمکش سوبسیدها بوده است که در اجرای آن گامهای بزرگی برداشته شده است. رژیم جمهوری اسلامی تشنج و شکافهای بزرگ متعددی را پشت سر خود دارد. اما هیچ کدام باندازه موضوع حذف بارانه ها صفوف آنرا دچار تفرقه و کشمکشهای تند نکرده است. رژیم جمهوری اسلامی کم بحران بخود ندیده است. اما هیچ بحرانی این چنین عریان و گسترده در میان دست اندرکاران، کارگزاران و دلسوزان رژیم پرژواک نداشته است. این رژیم با کلبوس عصیان و شورشهای مردمی کم روبرو نبوده است؛ اما هیچ گاه باین اندازه روشن و آشکارا بدان اعتراف نکرده و برای مقابله دست به بسیج نزده است. از طرف دیگر اما هیچ گاه کل صفوف این رژیم برای پیشبرد یک سیاست معین به این اندازه متحد و خودآگاه و مملو از عزم نبوده است. تماشایی است که چگونه همه جناحها، دولت و دستگاههای اداری، ارگانهای نظامی و شبه نظامی، اصلاح طلب و اصول گرا، دستگاه خانه کارگر و شیعات اقتصادی سپاه پاسداران همه و همه بر سر ضرورت اجرای این طرح متحدالقول هستند. تماشایی است که چگونه طبقه سرمایه دار بمعنای کلاسیک و دقیق آن، از سرمایه داران، تاجر و تکنوکراتها تا صاحب نظران اقتصادی دانشگاهی و میدیای مربوطه بسیج شده و در تلاشی بیوقفه حکومت خود را در پیش برد و موفقیت آنچه که "جراحی اقتصادی" نام گذاشته اند، این پا و آن پا میکنند و از خود میانه میگذارند.

حمله به طبقه کارگر بر گرد تحصیل فقر فلسفه وجودی حکومت طبقاتی سرمایه داران در سراسر جهان و در طول تاریخ بوده است. جهان امروز ما مملو از نمونه های کارکرد طبقه سرمایه دار و حکومت آنهاست. زور و سرکوب علیه کارگر هر چند بدرجات مختلف، اما بعنوان بخش غیر قابل انکار کشمکشها طبقاتی نیازی به اثبات ندارد. در عین حال در بخش بزرگی از جوامع همواره بخشی از طبقه حاکم را با سیاستهای ملایمتر میشود نشان داد، بخشی که وجه انسانی تر و معقولتری را برای خود و جامعه خود، حتی در ظاهر هم که شده، جستجو میکند. جمهوری اسلامی دست فاسدترین و آبرو باخته ترین حکومتهای بورژوازی را از پشت بسته است. صاحب منصبان این حکومت شایسته بدون چون و چرای مدال افتخار بیدار ساختن پلیدترین

وجه های استثمار و چپاول نسل کارگر در تاریخ سرمایه داری جهان هستند. در دل اقیانوسی از پول و گذاشته شده، قیمتها شلوار گشته و ثروت، درآمدهای نقی و مهمتر از آن در قیل چرخ عظیم تولید، آن جامعه غرق در نعمات بیشمار شده است. بموازات آن و با سرعت سرسام آور فقر و تباهی در آن جامعه رواج یافته و بنگاههای تولیدی سهم خود را از سازمان یافته است. در دو سال اخیر و "درآمد" ناشی از طرح دارند در حول یارانه ها طناب را دور گردن میلیونها جمعیت فقر زده گره زده اند، هر روز حلقه را تنگتر میکنند. در سایه دستگاه عظیم سرکوب که عملا امکان هر عکس العملی را از قربانیان گرفته است؛ آنوقت دلسوزان و مصلحین و متخصصانی گرد آمده اند و شرط بندی میکنند که چگونه و چه زمانی عصبانیهای اجتماعی بیرون خواهد زد! مشاهده افضات این منجیان چندش آور است. جریان سبز فقط یک نمونه این پدیده است. تلاش برای توجهیه و تطهیر پدیده سوبسیدها در ایران را نباید از قلم انداخت. احمدی نژاد همه اتیان مستضعف پناهی رژیم خود، همه هنر تحسین برانگیز پروپاگندستی خود را بکار انداخت، او ریسک افتنا و رسوا سازی بخشی از حکومت خود در قالب "افزاده ها" را بجان خرید. خیل بزرگتری از آکادمیسینها و ژورنالیستهای اقتصاد دان در گذرا بودن یک دوره سخت و در عوض چشم انداز رشد و اشتغال از خود میانه گذاشتند. اما واقعیت همه رشته های این جماعت را بسرعت پنبه کرد. "هدفمند" کردن و "عدالت" ساختن بارانه ها بسرعت برق و باد به یک توجیه مسخره تبدیل گردید.

حذف سوبسیدها یک تحول منفی عظیم در دل جامعه ایران و اساسا در زندگی طبقه کارگر در ایران را بنبال خواهد داشت. طرح یارانه ها نان سر سفره و آخرین دلخوشی های یک زندگی تا همینجا محقرانه را هم قاپ خواهد زد. تا همینجا و در دل هیاوها و دست بدست کردنهای مقامات حکومتی عملا

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت بخش رادیو پرتو جمعه ها
۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن
۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی
۲۰ تا ۲۱:۳۰ به وقت ایران
شما می توانید بر ایم هفتگه شنونده تکرار پرتو صدای طبقه کارگر باشید
www.radiopartow.com/wp/

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را نگثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی
کمونیست

زنده باد سوسیالیسم